



Research Article

The Prediction Model of Domestic Violence Against Women Based on Alexithymia and Family Performance with Differentiation Mediation

Toktam Jafarzadeh ¹ , Ali Akbar Soleimanian ^{2,*} , Mohammad Mohammadpour ³

¹ PhD Student of General Psychology Department of Psychology, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

² Associate Professor, University of Bojnord, Bojnord, Iran

³ Assistant Professor Department of Psychology, Quchan Branch, Islamic Azad University, Quchan, Iran

* **Corresponding author:** Ali Akbar Soleimanian, Associate Professor, University of Bojnord, Bojnord, Iran. E-mail: soliemanian@gmail.com

DOI: [10.29252/nkjmd-12012](https://doi.org/10.29252/nkjmd-12012)

How to Cite this Article:

Jafarzadeh T, Soleimanian AA, Mohammadpour M. The Prediction Model of Domestic Violence Against Women Based on Alexithymia and Family Performance with Differentiation Mediation. *J North Khorasan Univ Med Sci.* 2020;**12**(1):9-17. DOI: [10.29252/nkjms-12012](https://doi.org/10.29252/nkjms-12012)

Received: 18 Jul 2018

Accepted: 01 Jun 2019

Keywords:

Alexithymia
Self-Differentiation
Domestic Violence
Family Performance

Abstract

Introduction: Domestic violence is the cause of most physical and psychological damages in women. The purpose of this study is to predict domestic violence against women based on Alexithymia and family performance by mediating differentiation in women visiting to comprehensive urban health services centers in Bojnourd.

Methods: The present study is a structural type and the statistical population of all women visiting in 1335 number of people. The sample size was estimated to be 250 by Cochran formula. The sampling method was a single stage cluster method. In order to measure the research variables, domestic violence, Alexithymia, family performance, and family data were analyzed using Amos software, Self-assessment mediation test method, structural equation method, path analysis.

Results: The findings showed that family performance with Alexithymia of women's differentiation is significant at a confidence level of 0.99.

Conclusions: The results of this study showed that differentiation can play the mediation role in the prediction of domestic violence.



ارائه مدل علی پیش بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ناگویی هیجانی و عملکرد خانواده با واسطه گری تمایز یافتگی

تکتم جعفرزاده^۱، علی اکبر سلیمانیان^{۲*}، محمد محمدی پور^۳

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

^۲ دانشیار گروه مشاوره دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

^۳ استادیار گروه روانشناسی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

* نویسنده مسئول: علی اکبر سلیمانیان، دانشیار گروه مشاوره دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. ایمیل: solimanian@gmail.com

DOI: 10.29252/nkjms-12012

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۷	چکیده
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱	مقدمه: هدف از مطالعه حاضر ارائه مدل علی پیش بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ناگویی هیجانی و عملکرد خانواده با واسطه گری تمایز یافتگی در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهری، شهر بجنورد انجام شده است.
واژگان کلیدی:	روش کار: پژوهش حاضر از نوع ساختاری است و جامعه آماری کلیه زنان مراجعه کننده به تعداد ۱۳۳۵ نفر می باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۵۰ نفر برآورد شد. روش نمونه گیری خوشه ای تک مرحله ای بوده است. به منظور سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه های خشونت خانگی، ناگویی هیجانی، عملکرد خانواده و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار Amos، روش معادلات ساختاری، تحلیل مسیر استفاده شدند.
ناگویی هیجانی	یافته ها: یافته ها نشان داد که عملکرد خانواده با ناگویی هیجانی تمایز یافتگی زنان در سطح اطمینان ۹۹٪ معنا دار است.
تمایز یافتگی	نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تمایز یافتگی می تواند نقش میانجیگری در پیش بینی خشونت خانگی داشته باشد.
خشونت خانگی	
عملکرد خانواده	

مقدمه

خشونت خانگی یا خشونت علیه زنان در خانواده شایع ترین شکل خشونت علیه آنان است که در آن خشونت، رفتار خشن یکی از اعضای خانواده (معمولاً مرد) نسبت به یکی از اعضای دیگر خانواده (معمولاً زن) است صورت می گیرد [۱]. دوری از تعارضات و هیجانات منفی در زندگی زناشویی یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است و در واقع، یکی از جنبه های یک سیستم زناشویی، رضایتی است که زوجین در رابطه خویش احساس و تجربه می کنند [۲]. ابراز احساسات و هیجانات که نقش مهمی در رشد صمیمیت دارد، یک عامل مهم در تمایز زوج های راضی از ناراضی است، زیرا احساس حمایت شدن را در افراد ایجاد می نماید [۳-۵]. سانکو و هیو وانگ (۲۰۱۰) نشان دادند که ابراز هیجان از جمله مهمترین عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی محسوب می شود [۶]. میرجین و کوردوا (۲۰۰۷) رابطه میان مهارت های هیجانی، صمیمیت و رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار دادند، نتایج نشان داد که مهارت های هیجانی می تواند به طور پایایی در روابط میان همسران و رضایت زناشویی مؤثر باشد [۷]. همچنین کوردوا و همکاران (۲۰۰۵) (نشان دادند که توانایی تشخیص و ابراز هیجانات با سازگاری زناشویی رابطه دارد [۸]. بشارت (۱۳۹۲) نشان داد که بین ناگویی هیجانی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد [۹]. خلیلی (۱۳۸۹) رابطه میان ناگویی هیجانی را مورد بررسی قرار دادند، نتایج نشان داد که مهارت های هیجانی می تواند به طور پایایی در روابط میان همسران و رضایت زناشویی مؤثر باشد [۱۰]. همانطور که ابراز هیجان می تواند به غنی رابطه زناشویی بیفزاید، ناگویی و عدم ابراز

هیجانات تأثیر منفی بر این رابطه داشته و رضایت زوجین از زندگی را کاهش می دهد [۱۱]. با توجه به اثری که متغیرهایی مانند ابراز هیجان و احساسات، بیان عواطف و همدلی و روابط بین فردی بر رضایت زناشویی دارند و مشکل در این زمینه ها منجر به رضایت زناشویی پایین و بروز جدال بین زوج ها می شود، توجه به این متغیر ضروری است. توانمندی هیجانی، روبرو شدن افراد با چالش های زندگی را آسانتر کرده و سطح سلامت روانی آنها را بهبود می بخشد. افرادی که دارای توانمندی هیجانی بالا هستند احساس های خود را تشخیص می دهند، مفاهیم ضمنی آن را درک می کنند و به گونه مؤثرتری حالات هیجانی خود را برای دیگران توصیف می کنند. این افراد در مقایسه با افرادی که توانایی درک و بیان حالت های هیجانی را ندارند، در کنار آمدن با تجربه های منفی از موفقیت بیشتری برخوردارند و سازگاری مناسبتری را در ارتباط با محیط و دیگران نشان می دهند [۱۲]. سیف نوس ۱۹۷۳ در کار بر روی افراد مبتلا به اختلالات روان تنی، دریافت که بسیاری از این بیماران مشکل بزرگی در برقراری ارتباط هنگام مصاحبه بالینی دارند. همچنین، مشاهده کرد این افراد مشکلاتی در یافتن کلمات مناسب جهت توصیف احساس های خود دارند. او واژه الکسی تایمیا را Alexithymia که از ریشه یونانی a یعنی فقدان، laxis یعنی واژه و thymos یعنی خلق یا هیجان مشتق شده است و به معنی "فقدان کلمه برای هیجان" است، برای توصیف این افراد به کار [۱۳، ۱۴]. ناگویی خلقی به اختلال خاص در پردازش هیجانی به ویژه

زمانی که ازدواج می‌کنند انتظار می‌رود بلوغ عاطفی کمتری را دارا و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. این مسئله نیازمند این می‌شود که هر دو نفر (زن و مرد) برای پایداری ازدواجشان رشد و خود رهبری‌شان را قربانی ازدواج می‌کنند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یک دیگر را تحمل و واکنش عاطفی کم‌تری را تجربه کنند [۱۹، ۲۰].

همایی [۲۱]، اشاره می‌کند هر اندازه میزان تمایز یافتگی فرد کمتر باشد احتمال درهم آمیختگی هیجانی فرد با دیگران به منظور ایجاد یک خود تمایز نیافته بیشتر خواهد بود. این در هم آمیختگی هیجانی میان دو فرد تمایز نیافته برای ایجاد یک خود مشترک در روابط شخصی اتفاق افتاده و اغلب در ازدواج مشاهده می‌شود ازدواج‌های این افراد اغلب با شکست مواجه می‌شود.

صحت [۲۲]، به بررسی اثربخشی آموزش خودتمایزسازی بوئن در کاهش تعارضات زناشویی زوجین ساکن شهر قم پرداخت و نتیجه گرفت تعارضات زناشویی زوجین ناسازگار پس از دوره آموزش خود تمایزسازی کاهش یافته است.

محمودی [۲۳]، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین تمایز یافتگی و رضایت جنسی و ابرازگری هیجانی در خانواده پرداخت. در نتایج این پژوهش رابطه معناداری بین تمایز یافتگی و رضایت جنسی با ابرازگری هیجانی مشاهده شد.

کاضمیان مقدم [۲۴]، نتایج پژوهش نشان داد که به نظر می‌رسد تمایز یافتگی پدیده پیچیده‌ای است که ضمن درگیر کردن بسیاری از زوج‌ها، از عوامل بسیاری از جمله معناداری زندگی، بخبودگی، تعارض زناشویی و رضایت زناشویی تأثیر می‌پذیرد. نتایج پژوهش احمدی [۲۵]، بین سطح تمایز یافتگی خود زنان در زیر مؤلفه‌های واکنش پذیری عاطفی، گریز عاطفی و هم آمیختگی با رضایت زناشویی آن‌ها رابطه منفی معناداری وجود دارد. رضایت زناشویی و عملکرد خانواده به رشد فکری، عاطفی و اجتماعی زوج‌ها بستگی دارد. رشد عاطفی به معنای توانایی کنترل احساسات و عواطف، رشد فکری و توانایی شخص در تصمیم گیری عقلانی است.

بوئن (۱۹۷۸) مفهوم تمایز یافتگی را در تمامی فرهنگ‌های همگانی مطرح کرد و استدلال کرد که تمایز خود نقش مهمی را در کارکرد بهینه افراد صرف نظر از فرهنگ ایفا می‌کند [۱۹، ۲۰]. با توجه به اینکه در فرهنگ جمع گرای ایران استقلال چندان تشویق و ترغیب نمی‌شود به ویژه در خصوص زنان؛ و با توجه به اینکه بخش عمده مراجعه کنندگان به مراکز خدمات مشاوره را زنان تشکیل می‌دهند که از انواع مشکلات روانی و جسمی از قبیل اضطراب، افسردگی، سردرد، بیماری‌های روان تنی و اغلب تعارضات زناشویی شکایت می‌کنند؛ لذا یافتن عوامل مرتبط با این شکایات با توجه به مفهوم تمایز خود و به دنبال آن ارائه راهکارها و شیوه‌های مشاوره‌ای کارآمد، ضروری به نظر می‌رسد. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در پیش بینی خشونت خانگی نقش داشته باشد، نقش عملکرد خانواده است. خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی، مجموعه‌ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خود نقشه‌های متنوعی تعیین می‌کند [۲۶]. خانواده نظامی است که عملکرد آن از طریق الگوهای مراودهای صورت می‌گیرد. مراودت یا میان کنشهای تکراری، الگوهایی

دشواری در بیان شفاهی و درک هیجان اشاره دارد و شامل ۵ ویژگی برجسته است. ۱- دشواری در تشخیص هیجان ۲- دشواری در توصیف کلامی احساسهای خود برای دیگران ۳- کاهش یا ناتوانی در تجربه هیجانی ۴- عدم تمایل به تصویرسازی هیجانات دیگران یا سبک شناختی متمایل به خارج اولویت در تمرکز بر رویدادهای بیرونی نسبت به تجربه‌های درونی) ۵- ظرفیت پایین در خیال پردازی یا تفکر نمادین [۱۵]. با استناد به یافته‌های پژوهشی که ذکر گردید، می‌توان پیش بینی کرد که ناگویی هیجانی، مشکلات بین فردی زوجین را افزایش می‌دهد، زیرا ناگویی هیجانی ارتباطات صمیمانه را سخت‌تر می‌کند. افراد با ناگویی هیجانی سطوح کمتری از همدلی را که لازمه یک ارتباط صمیمانه است از خود نشان می‌دهند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که ناگویی هیجانی اثرات منفی بر بهزیستی روانشناختی و هیجانی می‌گذارد و عاملی خطر ساز در ابتلا افراد به پریشانی هیجانی، مشکلات روان شناختی و تشخیص عدم سلامت ذهنی است [۱۵، ۱۶]. با این توصیف، به نظر می‌رسد ناگویی هیجانی می‌تواند زمینه مشکلات بین فردی زوجین را فراهم آورد یا آن را تشدید نماید. لذا با توجه به نقشی که هیجانات و عواطف و روابط صمیمانه در بهزیستی روانی و دوام روابط در زندگی مشترک دارند، ناگویی هیجانی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر خشونت خانگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در پیش بینی خشونت خانگی نقش داشته باشد، خود تمایز یافتگی است.

تمایز خود به عنوان سنگ بنای نظریه بوئن در نظر گرفته شده است. تمایز یافتگی اشاره به توانایی ایجاد تعادل بین نیروهای عقلی و فرایندهای عاطفی در سطح درون روانی و ایجاد تعادل بین حفظ فردیت همراه با تجربه صمیمیت در سطح بین فردی می‌کند [۱۷]. بر این اساس می‌توان افراد تمایز یافته و تمایز نیافته را با ویژگیهای زیر مشخص کرد: افراد تمایز نیافته در برابر رفتار دیگران واکنش عاطفی نشان می‌دهند، بخش عمده انرژی‌شان را صرف تجربه، بیان و تشدید عواطفشان می‌کنند. در مقابل، افراد تمایز یافته ممکن است عواطف شدیدی را تجربه کنند، اما توسط این عواطف تحلیل نمی‌روند و واکنش این دسته از افراد کنترل شده است؛ زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش زا باشد، افراد تمایز نیافته از دیگران فاصله عاطفی می‌گیرند؛ در حالی که افراد تمایز یافته ضرورتی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند این گونه افراد از هویتی محکم برخوردارند؛ افراد تمایز نیافته روی هم رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل می‌شوند؛ در حالی که افرادی که به خوبی تمایز یافته‌اند قادرند خود تعریف شده‌شان را حفظ کنند؛ تمایز در توانایی ابراز "موضع من" نمود می‌یابد. افراد تمایز نیافته از نظر عاطفی به دیگران وابسته‌اند به دشواری می‌توانند برای خودشان فکر، احساس و عمل کنند؛ اما افراد تمایز یافته ذاتاً خود رهبرند، افکار و احساسات خاص خودشان را دارند و اجباری در وفق دادن خود با انتظارات دیگران ندارند [۱۸]. بنابراین با توجه به چهار عامل واکنش عاطفی، موضع من (بعد درون روانی) آمیختگی با دیگران و گسلس عاطفی (بعد بین فردی) افراد تمایز یافته و تمایز نیافته را می‌توان تمییز داد. بر اساس این نگره "تمایز خود" بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دو سویه را در ازدواج بررسی می‌کند. زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی داشته باشند،

نشانه‌ی سطوح پایین تمایز یافتگی است. ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورن و فریدلندر برای پرسشنامه‌ی تمایز یافتگی ۸۸/۰ است [۳۱]. پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۸۶/۰ و برای خرده مقیاسهای واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۶۱/۶۴، ۷۳/۰ و ۷۵/۰ محاسبه گردید [۳۱].

پرسشنامه مقیاس سنجش خانواده FAD. ابزار سنجش خانواده، با ضرایب آلفای خرده مقیاس‌های خود، از ۷۲/۰ تا ۹۲/۰ دارای اعتبار است و از هم سانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است. این ابزار، تا حدی دارای روایی هم زمان و پیش بین است و در خرده مقیاس‌ها دارای روایی مناسبی است [۲۱، ۲۲]. اعتبار درونی فرم ۶۰ سؤالی را با استفاده از آلفای کرونباخ و تصنیف، به ترتیب ۸۳/۰ و ۸۲/۰ به دست آورد. جواب‌ها نیز از: کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، مرتب شده است. در مجموع، نمرات بالا، کارآمدی پایین خانواده را نشان می‌دهد و نمرات پایین، کارآمدی بالا را به نمایش می‌گذارد. در این آزمون، میانگین ۱۲۸ و انحراف استاندارد ۱۸ ارزیابی شده است و نمرات پایین‌تر از ۱۱۰، گویای کارآمدی پایین خانواده است [۳۲].

پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان حاج یحیی

این پرسشنامه را حاج یحیی برگرفته از چند پرسشنامه از جمله پرسشنامه مقیاس تکنیک تعارض CTS استراوس، پرسشنامه خشونت روان شناختی زنان، تولمن، سنجش همسرآزاری رادنبرگ و فانتوزو، شاخص همسرآزاری هودسون و مک اینتوش و پرسشنامه‌ی رفتارهای خشونت‌ی شپارد و کمپ بل ساخته است. پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان شامل ۳۲ ماده و ۴ عامل می‌باشد، عامل اول که شامل ماده‌های ۱ تا ۱۶ می‌باشد خشونت روانی را می‌سنجد، عامل دوم که شامل ماده‌های ۱۷ تا ۲۷ می‌باشد خشونت فیزیکی را می‌سنجد، عامل سوم که شامل ماده‌های ۲۸ تا ۳۰ می‌باشد خشونت جنسی و عامل چهارم که شامل ماده‌های ۳۱ و ۳۲ می‌باشد خشونت اقتصادی را می‌سنجد. پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان توسط پژوهشگر ترجمه شد، روایی آن توسط چند تن از اساتید متخصص مورد تأیید قرار گرفت و ضریب پایایی درونی یا آلفای کرونباخ آن نیز با استفاده از نمونه‌ی ۶۰ نفری ۹۷/۰ می‌باشد. بر پایه‌ی نتایج حاصل از اولین زمینه یابی ملی فلسطینی‌ها در مورد خشونت علیه زنان که در مورد ۲۴۱۰ زن انجام گرفت، ضریب پایایی درونی یا آلفای کرونباخ برای چهار عامل تست حاج یحیی به ترتیب ۷۱/۰، ۸۶/۰، ۹۳/۰، ۹۲/۰ می‌باشد [۳۳]. در این مطالعه یک مدل مفهومی تحلیل مسیر (شکل ۱) برای تعیین ارتباط همزمان متغیرهای عملکرد فعلی خانواده، ناگویی هیجانی، تمایز یافتگی و خشونت خانگی به داده‌ها برازنده شد. روش تحلیل مسیر، تعمیمی از رگرسیون معمولی است که قادر است علاوه بر بیان آثار غیر مستقیم و اثر کل هریک از متغیرهای توضیحی را برای متغیرهای وابسته نشان دهد و با بیان منطقی روابط و همبستگی مشاهده شده بین آنها را تفسیر کند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار AMOS و به کار گیری مدل تحلیل مسیر انجام شد. مدل طراحی شده برای بررسی تأثیر تمایز یافتگی، عملکرد خانواده، ناگویی هیجانی و خشونت خانگی بصورت زیر می‌باشد.

را به وجود می‌آورند مبنی بر این که یک نفر چه طور و چه وقت و با چه کسی رابطه برقرار کند [۲۷]. عملکرد خانواده Family Function به چگونگی روابط اعضای خانواده، تعامل و حفظ روابط، چگونگی تصمیم گیری‌ها و حل مشکلات اعضای خانواده مربوط می‌شود [۲۸، ۲۹]. به عبارت دیگر، عملکرد خانواده جنبه مهم محیط خانوادگی است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روابط و عملکرد مناسب خانواده برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است.

لذا هدف پژوهش حاضر بررسی پیش بینی خشونت علیه زنان و در نهایت کمک به تأمین و بهبود سلامت جسمی و روانی زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره‌ای است.

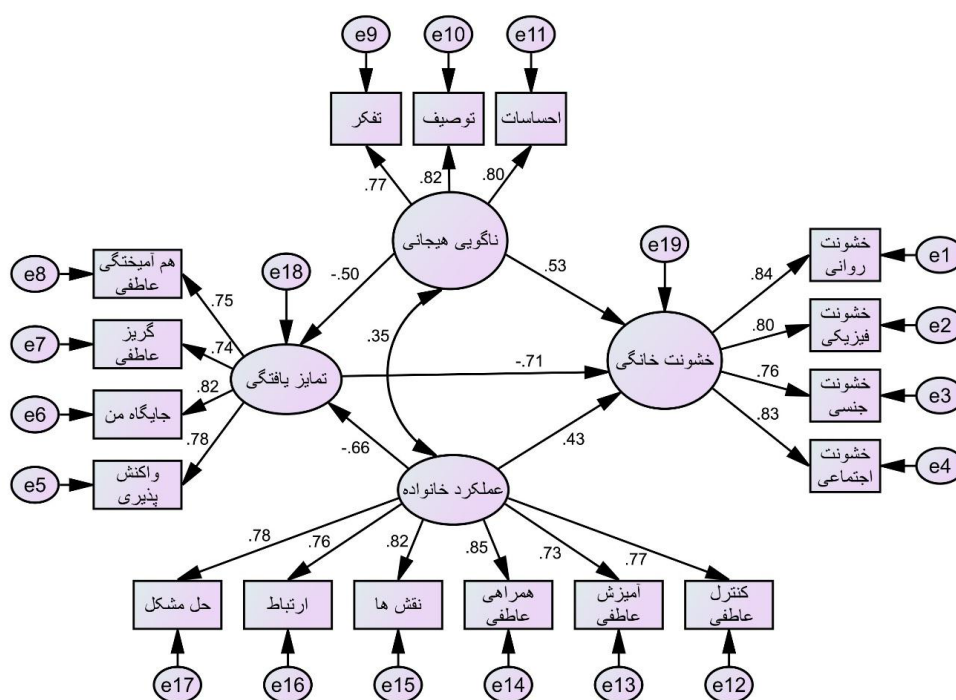
روش کار

در گام اول ابتدا با مدیریت مراکز بهداشتی در خصوص هدف پژوهش مذاکره شد و نظر موافق و همکاری مدیریت مرکز جلب گردید. در گام دوم پرسشنامه‌های مورد نظر با همکاری مراقبین مراکز به مدت ۴ ماه در اختیار زنان متأهل واجد شرایط مراجعه کننده به مرکز قرار گرفت به شرکت کنندگان در خصوص هدف پژوهش توضیحات لازم داده شد و رضایت آنان برای شرکت در پژوهش جلب گردید.

روش بررسی

پژوهش حاضر، در قالب یک مدل تحلیل مسیر، روابط پیش بینی کننده میان متغیرها را مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعه آماری پژوهش، متشکل از کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهری، شهر بنجور به تعداد ۱۳۳۵ نفر در سال ۱۳۹۶ می‌باشد. جهت انتخاب حجم نمونه از آزمون KMO برای محاسبه توان آماری و تأیید کفایت حجم نمونه قبل از انجام تحلیل عاملی استفاده شد. ملاک‌های اصلی ورود به پژوهش ازدواج دائم، یک سال از ازدواج زوجین گذشته باشد، تمایل به شرکت در پژوهش داشته باشند. به منظور انتخاب اعضای گروه شرکت کننده (نمونه آماری) تعداد ۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه‌ای تک مرحله‌ای برگزیده شدند. شهرستان بنجور به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد تعداد درمانگاه‌های مورد نظر مشخص و از طریق قرعه کشی افراد انتخاب شدند سپس سهمیه آن منطقه به طور مساوی بین درمانگاه‌های انتخاب شده تقسیم شد. لازم به ذکر است در این پژوهش به دلیل افت شرکت کننده‌ها (به دلایل مختلف) نمونه ۲۵۵ نفر در نظر گرفته شد و در نهایت نمونه پژوهشی به ۲۵۰ نفر تقلیل یافت. دامنه سنی شرکت کنندگان از ۱۲ تا بالاتر از ۴۵ سال بود. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه‌های مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو، ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف، احساسات، و تفکر عینی به ترتیب ۸۵/۰، ۸۲/۰، ۷۵/۰ و ۷۲/۰ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است [۳۰].

پرسشنامه‌ی تمایز یافتگی خود. این مقیاس شامل چهار خرده مقیاس واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلس عاطفی و آمیختگی با دیگران می‌باشد. حداکثر نمره‌ی واقعی ۲۷۶ است. نمره‌ی کمتر در این پرسشنامه،



شکل ۱. مدل مفهومی تحلیل مسیر

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی در **جدول ۱** نشان می‌دهد که در میان ابعاد اصلی، عملکرد خانواده با میانگین $4/22$ اهمیت بیشتری داشته است و خشونت خانگی با میانگین $3/09$ نسبت به سایر ابعاد اهمیت کمتری از نظر پاسخگوینان داشته است.

نتایج مدل بایی معادلات ساختاری

با توجه به **جدول ۲** که نشان می‌دهد متغیر ناگویی هیجانی بر خشونت خانگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با $6/57$ که بیشتر از $2/56$ است) با توجه به اینکه این رابطه مثبت است (ضریب استاندارد رابطه برابر با $0/53$ و معنادار است). در نتیجه متغیر ناگویی هیجانی هر چه بیشتر شود، خشونت خانگی افزایش می‌یابد بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود.

متغیر ناگویی هیجانی بر تمایز یافتگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با $6/25$ که بیشتر از $2/56$ است) با توجه به اینکه این رابطه منفی است (ضریب استاندارد رابطه برابر با $-0/50$ و معنادار است). در نتیجه افزایش متغیر ناگویی هیجانی باعث کاهش تمایز یافتگی می‌شود بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود.

با توجه به **جدول ۲** که نشان می‌دهد متغیر ناگویی هیجانی بر خشونت خانگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با $6/57$ که بیشتر از $2/56$ است) با توجه به اینکه این رابطه مثبت است (ضریب استاندارد رابطه برابر با $0/53$ و معنادار است). در نتیجه متغیر ناگویی هیجانی هر چه بیشتر شود، خشونت خانگی افزایش می‌یابد بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود.

در جدول زیر شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش محاسبه شده است. شاخص میانگین اهمیت متغیرها را نظر پاسخ دهندگان نشان می‌دهد و شاخص انحراف استاندارد پراکندگی پاسخ‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرها و خرده مقیاس‌های میانگین و انحراف معیار

متغیر	میانگین $\pm$ انحراف معیار
ناگویی هیجانی	$0/36 \pm 3/14$
احساسات	$2/33 \pm 3/54$
توصیف	$0/26 \pm 2/18$
تفکر	$0/256 \pm 3/71$
تمایز یافتگی	$0/30 \pm 3/89$
هم آمیختگی عاطفی	$0/218 \pm 3/52$
گریز عاطفی	$0/26 \pm 3/76$
جایگاه من	$0/248 \pm 4/38$
واکنش پذیری	$0/38 \pm 3/52$
عملکرد خانواده	$0/22 \pm 4/22$
کنترل عاطفی	$0/264 \pm 4/56$
آمیزش عاطفی	$0/228 \pm 3/91$
همراهی عاطفی	$0/23 \pm 4/38$
نقش‌ها	$0/328 \pm 4/12$
ارتباط	$0/446 \pm 3/98$
حل مشکل	$0/428 \pm 4/38$
خشونت خانگی	$0/32 \pm 3/09$
خشونت روانی	$0/261 \pm 4/35$
خشونت فیزیکی	$0/453 \pm 3/73$
خشونت جنسی	$0/415 \pm 4/28$
خشونت اجتماعی	$0/418 \pm 4/51$

اطلاعات در جدول به صورت میانگین $\pm$ انحراف معیار و یا تعداد $\%$ آمده است.

جدول ۲. نتایج مدل یابی معادلات ساختاری جدول اثرات مستقیم هر یک از مسیرها برای زنان به همراه آزمون معنی داری هر یک در سطح معنی داری ۰/۵۰ ذکر شده است

نتیجه (مسیر)	سطح معناداری	نسبت بحرانی CR	ضریب استاندارد	(مسیر)
تأثیرگذاری در ۹۹٪ معنا دار است. رابطه بین دو متغیر مثبت است. فرضیه اول تأیید می‌شود.	۰/۰۰۱	۶/۵۱	۰/۵۳	ناگویایی هیجانی بر خشونت نسبت به زنان تأثیر مستقیم دارد
تأثیرگذاری در سطح ۹۹٪ معنادار است رابطه بین دو متغیر منفی است. فرضیه دوم تأیید می‌شود	۰/۰۰۱	۶/۲۵	-۰/۵۰	ناگویایی هیجانی بر تمایز یافتگی نسبت به زنان تأثیر مستقیم دارد
تأثیرگذاری در سطح ۹۹٪ معنادار است رابطه بین دو متغیر مثبت است. فرضیه سوم تأیید می‌شود	۰/۰۰۱	۵/۵۵	۰/۴۳	عملکرد خانواده بر خشونت خانگی نسبت به زنان تأثیر مستقیم دارد
تأثیرگذاری در سطح ۹۹٪ معنادار است رابطه بین دو متغیر منفی است. فرضیه چهارم تأیید می‌شود	۰/۰۰۱	۷/۸۷	-۰/۶۶	عملکرد خانواده بر تمایز یافتگی نسبت به زنان تأثیر مستقیم دارد
تأثیرگذاری در سطح ۹۹٪ معنادار است رابطه بین دو متغیر منفی است. فرضیه پنجم تأیید می‌شود	۰/۰۰۱	۸/۳۵	-۰/۷۱	تمایز یافتگی بر خشونت نسبت به زنان تأثیر مستقیم دارد.

برابر با ۰/۶۶- و معنادار است). در نتیجه کاهش عملکرد خانواده باعث افزایش تمایز یافتگی می‌شود بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌شود. متغیر تمایز یافتگی بر خشونت نسبت به زنان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با ۸/۳۵ که بیشتر از ۲/۵۶ است) با توجه به اینکه این رابطه منفی است (ضریب استاندارد رابطه برابر با ۰/۷۱- و معنادار است). در نتیجه افزایش تمایز یافتگی باعث کاهش خشونت نسبت به زنان می‌شود در نتیجه فرضیه پنجم تأیید می‌شود.

برای آزمون اثرات غیرمستقیم متغیر ناگویایی هیجانی و عملکرد خانواده بر خشونت نسبت به زنان که از طریق متغیر میانجی تمایز یافتگی حاصل می‌شود، در جدول ۳ اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها گزارش شده‌اند.

بررسی مسیر ششم

تمایز یافتگی نقش میانجی بین عملکرد خانواده و ناگویایی هیجانی با خشونت نسبت به زنان را دارد.

متغیر ناگویایی هیجانی بر تمایز یافتگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با ۶/۲۵ که بیشتر از ۲/۵۶ است) با توجه به اینکه این رابطه منفی است (ضریب استاندارد رابطه برابر با ۰/۵۰- و معنادار است). در نتیجه افزایش متغیر ناگویایی هیجانی باعث کاهش تمایز یافتگی می‌شود بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود. متغیر عملکرد خانواده بر خشونت نسبت به زنان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با ۵/۵۵ که بیشتر از ۲/۵۶ است) یعنی هرچه میزان نمره متغیر عملکرد خانواده پایین باشد (عملکرد مناسب و سالم خانواده) خشونت علیه زنان کمتر می‌شود، همچنین تحلیل یافته‌ها نشان داد بین عملکرد خانواده و خشونت علیه زنان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، با توجه به اینکه هرچه نمره فرد در متغیر عملکرد خانواده بیشتر باشد (یعنی عملکرد خانواده نامناسبتر است). رفتار خشونت و قربانی شدن در خانه بیشتر است. بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌شود

متغیر عملکرد خانواده بر تمایز یافتگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با ۷/۸۷ که بیشتر از ۲/۵۶ است) با توجه به اینکه این رابطه منفی است (ضریب استاندارد رابطه

جدول ۳. نتایج بررسی فرضیه ششم (متغیر میانجی: تمایز یافتگی)

فرضیه	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل	نسبت بحرانی CR	سطح معناداری
ناگویایی هیجانی ← خشونت خانگی	۰/۵۳	۰/۷۱ × -۰/۵۰ = -۰/۳۵۵	۰/۱۸۵	۵/۰۸	۰/۰۰۱
عملکرد خانواده ← خشونت خانگی	۰/۴۳	۰/۷۱ × -۰/۶۶ = -۰/۴۶۸	۰/۱۸۹	۶/۰۳	۰/۰۰۱

عملکرد خانواده بر خشونت خانگی از حاصلضرب ۰/۶۶- در ۰/۷۱- بدست می‌آید که حاصل برابر با ۰/۴۶۸ می‌شود از آنجایی که نسبت بحرانی تأثیر غیر مستقیم بیشتر از ۲/۵۷ است و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است می‌توان نتیجه گرفت که متغیر تمایز یافتگی بین عملکرد خانواده و خشونت خانگی نقش میانجی دارد بنابراین فرضیه ششم مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی روابط بین سازه‌های ناگویایی هیجانی و عملکرد خانواده با خشونت نسبت به زنان و نقش میانجی تمایز یافتگی، الگوی مفهومی بر اساس مبانی نظری ترسیم شد و سپس مدل پیشنهاد شده از طریق مدل یابی معادلات ساختاری بررسی شد. در مدل مفهومی پژوهش، خشونت نسبت به زنان، تمایز یافتگی، ناگویایی هیجانی و عملکرد خانواده، سازه‌های نهفته در نظر گرفته شدند (برای هر کدام چند متغیر نشانگر (مشاهده‌ای) تعریف شده است. سازه خشونت نسبت به زنان و

یافته‌ها در جدول ۳ نشان می‌دهد ضریب تأثیر مستقیم متغیر ناگویایی هیجانی بر متغیر میانجی (تمایز یافتگی) برابر با ۰/۵۰- است و تأثیر متغیر میانجی بر خشونت خانگی برابر با ۰/۷۱- است هر دو تأثیرگذاری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند. تأثیر غیر مستقیم متغیر ناگویایی هیجانی بر خشونت خانگی از حاصلضرب ۰/۵۰- در ۰/۷۱- بدست می‌آید که حاصل برابر با ۰/۳۵۵ می‌شود از آنجایی که نسبت بحرانی تأثیر غیر مستقیم بیشتر از ۲/۵۷ است و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است می‌توان نتیجه گرفت که متغیر تمایز یافتگی بین ناگویایی هیجانی و خشونت خانگی نقش میانجی دارد.

سایر یافته‌ها نشان می‌دهد ضریب تأثیر مستقیم متغیر عملکرد خانواده بر متغیر میانجی (تمایز یافتگی) برابر با ۰/۶۶- است و تأثیر متغیر میانجی بر خشونت خانگی برابر با ۰/۷۱- است هر دو تأثیرگذاری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند. تأثیر غیر مستقیم متغیر

میزان برازش الگوی آزمون شده، نتایج مربوط به بررسی مسیر تحقیق ارائه شده است. برای آزمون مدل ساختاری از شاخص‌هایی که گیفن و همکاران (۲۰۰۰) مطرح نموده‌اند، استفاده شد. نتایج شاخص‌های برازش چهار مدل اندازه گیری در جدول زیر آورده شده است.

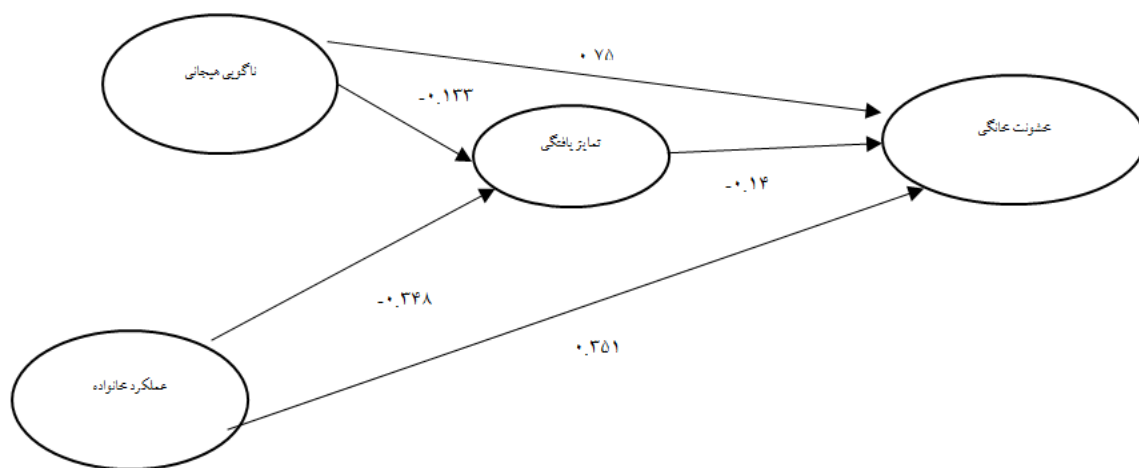
نتایج شاخص‌های فوق نشان می‌دهد که مدل ساختاری پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. بنابراین می‌توان بر مدل ساختاری تأیید شده، فرضیات پژوهش را مورد آزمون قرار داد. با توجه به جدول ۴ شاخص مجذور خی دو بر درجه آزادی برای مدل آزمون شده، ۲/۶۳ بدست آمد کمتر از حد قابل قبول ۳ می‌باشد. شاخص‌های GFI و CFI نیز به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹۴ بدست آمد که بیشتر از حد ۰/۹۰ می‌باشند. شاخص PNFI نیز ۰/۷۵ بدست آمد که بیشتر از حد مجاز آن ۰/۶۰ می‌باشد. شاخص RMSEA نیز برای مدل آزمون شده ۰/۰۶۵ بدست آمد که کمتر از حد قابل قبول آن یعنی ۰/۰۸ می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهند که هرچند همه شاخص‌های مدل تدوین شده تحقیق، در دامنه مطلوب قرار دارند، و در حالت کلی شاخص‌های برازش، به دامنه‌های مورد قبول بسیار نزدیک هستند. این وضعیت اغلب در آزمون مدل اولیه اتفاق می‌افتد. با توجه به شاخص‌های فوق مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

تمایز یافتگی، سازه‌های درون زای مدل که واریانس آنها توسط متغیرهای درون مدل تبیین می‌شود و سازه ناگویی هیجانی و عملکرد خانواده، سازه برون زای مدل بودند و واریانس آنها توسط متغیرهای بیرون از مدل که برای پژوهشگر ناشناخته بودند، تبیین می‌شوند.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص	حد مطلوب	مقدار گزارش شده
X2/df	۳ و کمتر	۲/۶۳
RMR	نزدیک به صفر	۰/۰۴۲
GFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۱۳
AGFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۸۸۱
NFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۱۸
RFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۰۱
IFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۴۸
TLI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۳۶
CFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۴۷
PRATIO	۰/۵ و بالاتر	۰/۸۲۴
PNFI	۰/۵ و بالاتر	۰/۷۵۶
PCFI	۰/۵ و بالاتر	۰/۷۸۰
RMSEA	کوچکتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۵

در شکل ۱ مدل مفهومی اولیه تحقیق ارائه شده است، سپس اصلاحات لازم براساس شاخص‌های اصلاح انجام شده و در نهایت پس از بررسی



شکل ۲. نمودار تحلیل مسیر مربوط به خشونت خانگی

بگیریم، تأثیر عملکرد خانواده بر خشونت خانگی بیشترین مقدار را داشته است که مجموع تأثیر غیر مستقیم از طریق تمایز یافتگی بوده است و در مسیر مستقیم ناگویی هیجانی بیشترین تأثیر را داشته است. تحلیل یافته‌ها نشان داد متغیر ناگویی هیجانی با خشونت نسبت به زنان، رابطه معناداری دارد، یعنی هرچه میزان نمره ناگویی هیجانی بالا باشد خشونت علیه زنان بیشتر است. با توجه به یافته‌های این پژوهش در مورد اثر مستقیم و غیر مستقیم ناگویی بر روی خشونت علیه زنان و با استناد به یافته‌های پژوهشی مکدونالد و همکارانش می‌توان پیش

بحث

در این مطالعه سعی شد تا به پیش بینی خشونت خانگی از طریق تأثیر مستقیم و غیر مستقیم ناگویی هیجانی، عملکرد خانواده، با نقش میانجی تمایز یافتگی بپردازیم. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است کلیه مسیرهای مستقیم معنی دار بوده‌اند. در بین تأثیرات غیر مستقیم نیز مشاهده شد که تمایز یافتگی می‌تواند به عنوان نقش میانجی، پیش بینی کننده خشونت خانگی باشد. اگر اثر کل بین متغیرها را در نظر

مزایایی چون بررسی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کل نیز بهره مند می‌باشد [۳۷].

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور کنکاش درباره تأثیر عملکرد خانواده، ناگویی هیجانی با نقش واسطه‌گری تمایز یافتگی خود در رابطه با خشونت خانگی طراحی شد. در مجموع، یافته‌های حاصل از ضرایب همبستگی و معادلات ساختاری، مؤید تأیید فرضیه پژوهش بودند. این بدان معنا است که جهت گیری عملکرد خانواده و ناگویی هیجانی از طریق میانجی‌گری تمایز یافتگی می‌تواند بر خشونت علیه زنان اثر بگذارد؛ نتیجه به دست آمده با نتیجه پژوهش هوپر و دیپوی [۳۸]، مرتضی لطیفیان و نرگس فخاری [۳۹]، هم راستا می‌باشد. در مجموع، یافته‌های حاصل از معادلات ساختاری، مؤید فرضیه پژوهش بودند که همسو با فرضیه پژوهش می‌باشند.

در این پژوهش پیشنهاد می‌شود افزایش سطح تحصیلات و آگاهی خانواده‌ها به ویژه تحصیلات زنان و زمینه سازی هر چه بیشتر بسترهای مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی-اقتصادی؛ تلاش در جهت ارتقای برابری جنسیتی در خانواده‌ها و جامعه؛ آگاهی زوجین نسبت به حقوق یکدیگر؛ تغییر نگرشها و باورهای فرهنگی با استفاده از کتابهای آموزشی از سنین کودکی، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی؛ گسترش فرهنگ گفتگو و مذاکره و مشورت و هم فکری بین اعضای خانواده (مخصوصاً زن و شوهر) به نظر می‌رسد این فرهنگ سازی در میان خانواده‌ها در کنار سایر اقدامات آموزشی مستمر می‌تواند در ساختارهای اجتماعی، قوانین، آداب و رسوم، باورها و نگرشهای اجتماعی که از اقتدار و نابرابری اعضا حمایت می‌کنند، رخنه کرده و متقابلاً با اصلاح و تغییر این ساختارها، شاهد اصلاح فضای درون خانواده‌ها نیز خواهیم شد.

این مطالعه شامل محدودیتهایی بود از جمله آنکه: جامعه مورد مطالعه (زنان ۱۷ تا ۶۵ سال متأهل) ممکن است نماینده زنان جامعه نباشند. عدم تمایل زنان به صحبت در خصوص خشونت علیه زنان به دلایل فرهنگی و حفظ حرمت خانواده و همچنین به دلیل مسائل فرهنگی، محقق نتوانسته است به طور دقیق و باید و شاید رفتارهای مرتبط با خشونت را بررسی کند.

تشکر و قدردانی

از زحمات کلیه مسئولین و کارکنان محترم معاونت بهداشتی، مراکز بهداشتی درمانی شهر بجنورد و صبر و حوصله کلیه زنانی است که در این مطالعه شرکت نموده و برای به اتمام رساندن رساله دکتری با کد ۱۸۲۲۰۷۰۵۹۷۲۰۰۲ ما را یاری نمودند. بدین وسیله از همه آنها تشکر و قدردانی می‌شود. (کد اخلاق IR.IEU.BUJNOURD. AIC.1396.4)

بینی کرد که ناگویی هیجانی، مشکلات بین فردی زوجین را افزایش می‌دهد، اثرات منفی بر بهزیستی روان شناختی و هیجانی افراد می‌گذارد و عاملی خطر ساز در ابتلا افراد به پریشانی هیجانی، مشکلات روان شناختی عدم سلامت ذهنی است [۳۴]. عواطف و هیجانات نقش مهمی در روابط صمیمی بین زوجین دارند لذا، نارسایی در هیجانات، زوجین را با مشکلات متعدد مواجه می‌سازد و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد، زیرا یکی از ویژگیهای اساسی که برای برقراری یک رابطه صمیمی نیاز است، که همان ابراز هیجان می‌باشد در افراد مبتلا با نارسایی هیجانی، کم است [۳۵]. بالابودن ناگویی هیجانی باعث پایین آمدن سطوح تمایز یافتگی نیز می‌شود، ناگویی هیجانی و تمایز یافتگی عاملی هستند که در رشد رضایت زوجین تأثیر می‌گذارد، از این رو آموزش تمایز یافتگی و ناگویی خلقی در افراد آنها را قادر به حل مشکلات خواهد کرد [۳۶].

مزیت این مطالعه نسبت به سایر مطالعات قبلی این بوده است که در این مطالعه با استفاده از یک مدل تحلیل مسیر علاوه بر بررسی اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم هر یک از آنها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی بررسی همزمان متغیرها مزیتی است که تنها می‌توان در مدل‌های آماری از قبیل تحلیل مسیر به بررسی آن پرداخت و از مزایات طرح می‌باشد. مدل بندی معادلات ساختاری که شاخه‌ای از آن به عنوان تحلیل مسیر در این تحلیل مورد بررسی قرار گرفت اهدافی مشابه رگرسیون چندگانه را دنبال می‌کند اما از نقطه نظر بعضی موارد مانند مدل بندی اثرات متقابل، مدل‌های غیرخطی، متغیرهای مستقل مرتبط بهم، وجود متغیرهای مکنون، خطای اندازه گیری، آزمون کردن مدل بطور کلی به جای آزمون کردن تک تک ضرایب، توانایی آزمون کردن مدلها با متغیرهای وابسته چندگانه، توانایی مدل بندی کردن متغیرهای میانجی بجای اینکه به یک مدل جمعی محدود شود، توانایی آزمون کردن ضرایب بین گروه‌های چندگانه و توانایی رفتار کردن با داده‌های مشکل (سری‌های زمانی، خطاهای خود همبسته، داده‌های غیر نرمال، داده‌های ناقص). علاوه بر جایی که رگرسیون خیلی مستعد است به عدم تعیین صحیح مدل و خطا در تفسیر آن، استراتژی SEM که مقایسه کردن مدل‌های جانشین برای تعیین برازش مدل است آنرا خیلی نیرومند می‌سازد [۳۷]. در این تحلیل استفاده از تحلیل مسیر علاوه بر بررسی روابط رگرسیونی کلاسیک، بدلیل وجود متغیرهای میانجی و روابط همزمان متغیرها امکان اجرای یک مدل خطی را بجای چندین مدل رگرسیون فراهم ساخته و از مزایایی چون بررسی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کل نیز بهره مند می‌باشد. در این پژوهش استفاده از تحلیل مسیر علاوه بر بررسی روابط رگرسیونی کلاسیک، بدلیل وجود متغیرهای میانجی و روابط همزمان متغیرها امکان اجرای یک مدل خطی را بجای چندین مدل رگرسیون فراهم ساخته و از

References

- Kerr ME, Bowen M. Family evaluation. An approach based on Bowen theory. New York, USA: Norton; 1998.
- Kaslow F, Robinson JA. Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. Am J Fam Ther. 1996;24:153-70. doi: 10.1080/01926189608251028
- Kathryn D, Timmerman L. Accomplishing romantic relationship. In: Greene JO, Burleson BR, editors. Handbook of communication and social interaction skills Mahwah.: Lawrence Erlbaum Associates; 2003.
- Yum Y, Canary DJ. Maintaining relationships in Korea and the United States: Features of Korean culture that affect relational maintenance beliefs and behaviors. Maintain Relation Communicat. 2003;277-96. doi: 10.4324/9781410606990-13
- Sanderson CA, Evans SM. Seeing one's partner through intimacy-colored glasses: An examination of the processes underlying the

- intimacy goals-relationship satisfaction link. *Pers Soc Psychol Bull.* 2001;27(4):463-73. doi: 10.1177/0146167201274007
6. Sangkyu H, Heuikwang S. Korean pastors and their wives marital satisfaction and its predicting factors. *J Pastoral Psychol.* 2010;59(4):495-12. doi: 10.1007/s11089-009-0199-5
 7. Mirgain SA, Cordova JV. Emotion skills and marital health: The association between observed and self-reported emotion skills, intimacy and marital satisfaction. *J Soc Clin Psychol.* 2007;26(9):983-1009. doi: 10.1521/jscp.2007.26.9.983
 8. Cordova JV, Gee CB, Warren LZ. Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *J SocClin Psychol.* 2005;24(2):218-35. doi: 10.1521/jscp.24.2.218.62270
 9. Besharat MA, Gangi P. The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction. (Persian). *J Fundament Mental Health.* 2013;144(56):324-35.
 10. Fath N, Azadfallah P, Rasoolzadeh-Tabatabaee K, Rahimi C. Validity and Reliability of the inventory of interpersonal problems (IIP-32). (Persian). *J Clin Psychol.* 2013;53(19):69-80.
 11. Asodeh MH, Khalili SH, Lavasani M, Daneshpour Z. Enrich Marital Inventory. (Persian). Tehran: Tehran University press; 2011.
 12. Shahgholian M, Moradi A, Kafi SM. Relation of alexithymia with emotional expression styles and general health in students. (Persian). *Iran J Psychiat Clin Psychol.* 2007;13(3):238-48.
 13. Coolidge FL, Estey AJ, Segal DL, Marle PD. Are alexithymia and schizoid personality disorder synonymous diagnoses? *Compr Psychiatry.* 2013;54(2):141-8. doi: 10.1016/j.comppsy.2012.07.005 pmid: 23021894
 14. Chen J, Xu T, Jing J, Chan RC. Alexithymia and emotional regulation: A cluster analytical approach. *BMC Psychiatry.* 2011;11:33. doi: 10.1186/1471-244X-11-33 pmid: 21345180
 15. Kalinin VV, Zemlyanaya AA, Krylov OE, Zheleznova EV. Handedness, alexithymia, and focus laterality as risk factors for psychiatric comorbidity in patients with epilepsy. *Epilepsy Behav.* 2010;17(3):389-94. doi: 10.1016/j.yebeh.2009.12.028 pmid: 20138588
 16. Eslami M, Khosravi Z, Cheragh Molayi L, Zahrayi S. Anticipation of the type of ego defensive styles through alexithymia and anger rumination and their difference between men and women. *J North Khorasan Med Sci.* 2017;39(10):86-91.
 17. Bowen M. Family therapy in clinical practice. New York: Aronson; 1978.
 18. Tuason MT, Friedlander M. Do Parent's Differentiation levels Predict Those Of Their Adult Children? And Other Test of Bowen Theory In Philippine Sample. *J Counsel Psychol.* 2000;47:24-35. doi: 10.1037/0022-0167.47.1.27
 19. Peleg O, Rahal A. Physiological symptoms and differentiation of self: A cross- cultural examination. *Int J Intercultur Relation.* 2012;In Press. doi: 10.1016/j.ijintrel.2012.04.001
 20. Peleg O, Yitzha K. Differentiation of self and separation anxiety: Is there a similarity between spouses. *Contemporar Famil Therap.* 2010;32:25-36. doi: 10.1007/s10591-010-9137-z
 21. Homai R. Relationship between attachment to God, moral intelligence and self-differentiation with marital satisfaction in nurses. (Persian). *J Psychiatr Nurs.* 2018;6:5.
 22. Sehst N. The effectiveness of behavioral self-differentiation training in reducing marital conflict of couples living in the city of khom master's thesis. (Persian): Allameh Tabataba'i University; 2007.
 23. Mahmoudi Hamidi S, Ebrahimi H. Prediction of sexual satisfaction based on differentiation and emotional expression in married women. (Persian). *J Psychiatr Nurs.* 2018;6:5.
 24. Kazemian Moghadam K, Mehrabi Zadeh Honarmand M, Kayamanesh AR, Hosseinian S. The causal relation of differentiation, meaningfulness of life and forgiveness with marital disturbance through marital conflict and marital satisfaction mediation. (Persian). *J Psychologic Model Method.* 2018(15):146-31.
 25. Khodabakhsh A, Paknejad F. The status of differentiation indices in Tehran families. *Quarter J Counsel Psychotherap.* 2017(30):219-39. doi: 10.4324/9781315733531-8
 26. Nazoktabar H, Nabipur Afrouzi A. The effect of family function on the quality of life and mental health of pregnant women referred to health centers of Babol city in the year. *J North Khorasan Med Sci.* 2017;39(10):61-6.
 27. Narimani M, Alamdari E, Abolghasemi A. Evaluating the effectiveness of acceptance and commitment therapy on quality of life in infertile women. *J Counsel Psychother Fam.* 2014;4(3):387-404.
 28. Minoochin S. Family and Family Therapy. Tehran: Amir Kabir Publications; 2001.
 29. Silburn SSZ, De Maio J, Shepherd C, Griffin J, Mitrou F. The Western Australian Aboriginal Child Health Survey: Strengthening the capacity of Aboriginal children, families and communities. Perth: Curtin University of Technology and Telethon Institute for Child Health Research; 2006.
 30. Besharat MA. Alexithymia and interpersonal problems. (Persian). *Stud Educat Psychol.* 2009;1(10):129-5.
 31. Skowron EA. The role of differentiation of self in marital adjustment. *J Counsel Psychol.* 2000;47:229-37. doi: 10.1037/0022-0167.47.2.229
 32. Yousefi N. Psychometric indexes of McDonald's family measurement scale (FAD). *Educat Measur.* 2016;6(3):83-112.
 33. Javidani. Investigating the causes of divorce between married men and women in Hamadan Studies of female police. (Persian). 2014;8(20).
 34. Vachher AS, Sharma A. Domestic violence against women and their mental health status in a colony in delhi. *Indian J Community Med.* 2010;35(3):403-5. doi: 10.4103/0970-0218.69266 pmid: 21031106
 35. Garcia-Moreno C, Watts C. Violence against women: an urgent public health priority. *Bull World Health Organ.* 2011;89(1):2. doi: 10.2471/BLT.10.085217 pmid: 21346880
 36. Gates DM, Gillespie GL, Succop P. Violence against nurses and its impact on stress and productivity College of Nursing, University of Cincinnati, Cincinnati, OH, USA. *Nurs Econ.* 2011;29(2):59-67.
 37. Pugsek BH, Tomer A, Von eye A. Structural equation modeling: Cambridge University Press.
 38. Hooper LM, DePuy V. Community sample mediating and moderating effects of differentiation of self on depression symptomatology in a rural community sample. *Famil J Counse Therap Couple Famil.* 2010;18(4):358-68. doi: 10.1177/1066480710374952
 39. Fakhari N, Latifian M, Etemd J. A study of psychometric properties of the executive skills scale for pre-school children. *Parent Form.* 2014;15(4):35-8.